

فهرست

۷ ضحاک و کاوه آهنگر ۱

۲۱ زال و سیمرغ ۲

۳۳ زال و ردابه ۳

۴۵ آکوان دیو ۴

۵۷ رستم و اسفندیار ۵

۷۱ رستم و سهراب ۶





۸۵ سیاوش ۷

۹۷ گرد آفرین ۸

۱۰۹ رستم و دیو سفید ۹

۱۲۱ رستم و کوه سپند ۱۰

۱۳۳ کیخسرو ۱۱

۱۴۵ سوگ سیاوش ۱۲



با این فکرها، دنیا پیش چشم سام،
تیره و تار شد و فریاد زد: «نه! این آدمیزاد
نیست! دیوزاده است! زود او را از اینجا

ببرید. به جایی ببرید که چشم هیچ انسانی به او نیفتد!»

به فرمان سام، دو مرد، نوزاد را برداشتند و شبانه از شهر بیرون رفتند. آنها رفتند و رفتند،
از دشت‌ها گذشتند، از رودها و کوه‌ها گذر کردند تا بالاخره به پای کوه البرز رسیدند.
آنها کودک را روی سنگی گذاشتند و برگشتند.

کودک بی‌گناه، گرسنه روی سنگ افتاده بود. گاهی از
گرسنگی انگشتش را می‌مکید و گاهی گریه می‌کرد. دو



روز گذشت. روز سوم، خورشید به وسط‌های آسمان رسیده بود که سیمرغ برای
شکار از آشیانه‌اش پرواز کرد. آشیانه‌ی سیمرغ روی قله‌ی کوه بود. او گشتی زد و